

چگونگی افزایش حقوق کارمندان

حمید آذرمند

ظاهر یکی از بسته‌های حمایتی که در نهادهای زیرمجموعه دولت تهیه شده، با محوریت افزایش حقوق کارمندان دولت است. مسأله افزایش حقوق کارمندان در مقطع کنونی از ابعاد مختلف قابل بررسی است. ابتدا باید مشخص شود افزایش حقوق کارمندان از چه محلی تأمین خواهد شد. آیا دولت قرار است بدون افزایش سقف مخارج خود، از محل صرفه‌جویی در سایر هزینه‌های جاری، اقدام به افزایش حقوق کارمندان کند. یا قرار است این افزایش حقوق از محل کاهش اعتبارات عمرانی باز محل برداشت ریالی از منابع صندوق توسعه ملی یا فروش اوراق و ایجاد بدهی جدید تأمین شود. هر یک از شیوه‌های مذکور عوارض متفاوتی خواهد داشت. افزایش حقوق کارمندان دولت از محل برداشت ریالی از صندوق توسعه ملی، به معنی افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و افزایش پایه پولی است و به سرعت آثار تورمی دارد. اگر افزایش حقوق کارمندان از محل ایجاد بدهی‌های جدید دولتی و فروش اوراق تأمین شود، عوارضی مانند افزایش نرخ سود و همچنین مشکلاتی مانند انباشت بدهی‌های دولت و مشکل بازپرداخت بدهی‌ها در دوره‌های بعد را خواهد داشت. اگر افزایش حقوق کارمندان از محل کاهش اعتبارات عمرانی باشد، این مسأله منجر به کاهش تشکیل سرمایه اقتصاد و عمیق‌تر شدن رکود می‌شود. این مسأله، بعد دیگری نیز دارد. از نیمه دوم سال جاری به بعد، کاهش معنی‌داری در درآمدهای نفتی و مالیاتی دولت رخ خواهد داد. در این شرایط هر گونه افزایش در مخارج دولت همزمان با کاهش درآمدهای دولت، منجر به افزایش کسری بودجه خواهد شد. حتی بدون فرض افزایش حقوق کارمندان نیز به نظر می‌رسد کسری بودجه سال جاری و سال آینده رقم قابل توجهی خواهد بود. افزایش حقوق کارمندان این کسری را افزایش خواهد داد. در نهایت تشدید کسری بودجه از کانال‌های مختلف به منابع بانک مرکزی منتقل می‌شود و منجر به افزایش نقدینگی و افزایش تورم خواهد شد. این نکته، رانیز می‌توان افزود که در شرایط تورمی، افزایش حقوق کارمندان بر افزایش تقاضا اثر می‌گذارد و از این مسیر نیز اثر تورمی خواهد داشت. افزایش حقوق کارمندان دولت، مطالبات مشابهی را بین کارکنان شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی نیز ایجاد خواهد کرد. در شرایط رکودی، به‌طور طبیعی امکان افزایش حقوق کارکنان بخش خصوصی وجود نخواهد داشت. در نتیجه ایجاد انتظار افزایش عمومی دستمزدها، نیاز ضایعی عمومی را در جامعه تشدید خواهد کرد. آنچه را که گفته شد، می‌توان به بیان ساده‌ترین گونه جمع‌بندی کرد که در شرایط فعلی، افزایش هزینه‌های جاری دولت به ویژه افزایش فرآیند حقوق کارمندان دولت، منجر به افزایش تورم و بی‌ثباتی اقتصاد و در نهایت کاهش بیش از پیش قدرت خرید شهروندان خواهد شد.

چه باید کرد؟

برنامه‌های حمایتی مختلفی در دستور کار دولت قرار دارد که هنوز اعلام عمومی نشده است. در طراحی این برنامه‌ها از جمله موردی مانند افزایش حقوق کارمندان، لازم است ملاحظات مدنظر قرار بگیرد که در اینجا به سه مورد مهم اشاره می‌شود: اول آنکه، لازم است شرایط فعلی برای مردم تشریح شود. دولت باید صادقانه، ناممکن بودن افزایش هزینه‌های جاری و افزایش حقوق کارمندان را برای مردم تشریح و از ایجاد تعهدات غیرممکن یا پرهزینه اجتناب کند. دوم آنکه، دولت ضمن اجتناب از ایجاد تعهدات جدید، باید در اسرع وقت اقدام به اصلاح سیاست‌های مالی و بودجه‌ای خود کند. طی سال‌های گذشته، تمل و کوتاهی فراوانی در اصلاح سیاست‌های اقتصادی دولت رخ داد. بودجه عمومی و سیاست‌های مالی دولت بسیار ناکارآمد است و اتلاف منابع و ناکارایی گسترده‌ای در تخصیص منابع عمومی وجود دارد. لازم است در اسرع وقت، ساختار مخارج دولت اصلاح شود و کارایی تخصیص منابع عمومی افزایش یابد. سیاست‌های مالی نادرست و ناکارآمد مانند فروش ارزان حامل‌های انرژی، توزیع پاران نقدی بین اقشار غیرنیازمند، تعهد به فروش ارز ارز برای فهرست گسترده‌ای از اقلام وارداتی، تعدد دستگاه‌ها و نهادهای وابسته به بودجه عمومی و نظایر آن، منجر به ناترازی گسترده بودجه شده است. در شرایط فعلی، مدیریت مخارج دولت بیش از همیشه از اهمیت حیاتی برخوردار است. البته مدیریت بودجه در شرایط کاهش درآمدهای عمومی و رکود اقتصادی، به کارایی و هوشمندی بالای دستگاه متولی بودجه نیاز دارد. هر گونه بی‌تدبیری در سیاست‌گذاری یا ناکارایی در اجرا، می‌تواند بر ابعاد مشکلات اقتصادی کشور بیفزاید و کشور را با چالش‌های جدید مواجه کند.

نگاهی به پرداخت سود در نظام بانکی

بانکداری بدون ربا و نرخ سود علی‌الحساب



رامین مجاب

در این گزارش با تمرکز بر روند تغییر حجم نقدینگی و مشکلات و چالش‌هایی که در دوره اخیر به وجود آورده است اشاره‌ای کوتاه به یک راهکار احتمالی برای جلوگیری از تکرار چنین پدیده‌هایی می‌شود. در ابتدا توضیح داده می‌شود که علت بنیادین فاصله گرفتن نرخ سود اسمی از تورم، شکست نظام نظارتی حاکم بر راهکار فعلی ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا یعنی «نرخ سود علی‌الحساب» است. با این فرض که اصلاح نظام نظارتی مذکور ساده نیست، ظرفیت احتمالی ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا برای تقویت یا جایگزینی راهکار فعلی معرفی می‌شود.

خبر

پس از این که بانک مرکزی در روزهای گذشته دستورالعمل خرید و فروش اسکناس ارز را به صرافی‌ها ابلاغ کرد، صرافی‌ها اکنون می‌توانند تحت شرایط تعیین شده اسکناس به کشور وارد کرده و برای تأمین نیازهای موجود، آن را در بازار به فروش برسانند. به گزارش ایسنا، بعد از آن که با اجرایی شدن سیاست ارزی دولت در فروردین ماه امسال، صرافی‌ها از انجام معاملات در بازار آزاد منع شدند و خرید و فروش اسکناس از سوی آنها قاجاق محسوب شد، در بسته جدید ارزی که از نیمه مردادماه به مرحله اجرا درآمد، فضای بازتری برای فعالیت آنها فراهم شد؛ به طوری که برای خرید ارز از فروشندگان در بازار هیچ منعی برای آن‌ها وجود نداشته و از سوی دیگر فروش ارز در قالب ۲۳ مورد خدماتی از جمله مسافرتی، درمانی و دانشجویی به آن‌ها محول شد. با این حال صرافی‌ها عمدتاً با مشکل تأمین ارز برای فروش در بازار آزاد مواجه بودند، چرا که در صورتی می‌توانستند ارزهای خدماتی را به فروش برسانند که معادل آن را خریداری کرده و منبع مشخصی داشته باشند. با توجه

اولاً تورم در این دوره بسیار پایین‌تر از روند بلندمدت خود بوده و ثانیاً، عامل مسلط در افزایش حجم نقدینگی شبه پول است. به عبارت دیگر، این انتظار وجود داشت که نرخ رشد حجم پول در این دوره از ارزش‌های گزارش شده کمتر باشد. در این دوره تورم نسبت به روند بلندمدت خود بسیار پایین‌تر و فشار مخارج جاری دولت و کسری بودجه ناشی از آن بر منابع پایه پولی کم بود. مانع اصلی در تحقق انتظار مذکور، نرخ سود حقیقی نسبتاً بالا بود. در واقع نرخ سود بالا همان عاملی است که جزء شبه پول در نقدینگی را تحریک کرده است.

چرا نرخ سود حقیقی در چند سال اخیر بالا بود و آیا اصولاً این نرخ باید همراه با تورم کاهش می‌یافت؟ سوال‌های این چنینی پاسخ‌های شناخته شده‌ای دارند. اصولاً در چهار چوب قانون عملیات بانکی بدون ربا به دلیل ارتباط محکمی

که این قانون بین نظام بانکی و فعالیت‌های حقیقی وضع می‌کند، نرخ سود حقیقی نباید چندان بانرخ رشد حقیقی اقتصاد تفاوت داشته باشد (بسته به نوع قرارداد، متوسط نرخ رشد بخش‌های اقتصادی را می‌توان ملاک قرار داد و خطای

می‌دانیم که انحراف‌هایی از قانون مذکور در نظام بانکی ایران وجود دارد. نکته مهم آن است که این انحراف‌ها به سمت یک سیستم بانکداری متعارف نبوده است، زیرا اصولاً نرخ بهره حقیقی در چنان سیستمی نیز نمی‌تواند برای دوره‌های طولانی فاصله زیادی از نرخ رشد حقیقی اقتصاد بگیرد. لازم به ذکر است که درک هم‌حرکتی بازدهی سپرده‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی چندان سخت نیست. چه در یک نظام متعارف و چه در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها تقریباً نقش واسطه دارند و

علت بنیادین فاصله

گرفتن نرخ سود اسمی از تورم، شکست نظام نظارتی حاکم بر راهکار فعلی ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا یعنی «نرخ سود علی‌الحساب» است. با این فرض که اصلاح نظام نیست، ظرفیت احتمالی ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا برای تقویت یا جایگزینی راهکار فعلی معرفی می‌شود

این‌گونه نیست که آنها به اطلاعات یا تکنولوژی‌هایی دسترسی داشته باشند که بتواند برای مدتی طولانی بازدهی‌هایی به مراتب بالاتر از متوسط بازدهی فعالیت‌های

اقتصادی داشته باشد.

سوالی که پیش‌تر مطرح شد به یک سوال مهم‌تر می‌رسد: چرا قوانین حاکم بر رفتار نرخ سود سپرده نتوانست ارتباط منسجمی میان فعالیت‌های بخش حقیقی و واسطه‌گرهای مالی ایجاد کند؟ پاسخ را باید در پیچیدگی «نرخ سود علی‌الحساب» به عنوان راهکاری برای عملیاتی کردن ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا جستجو کرد. نظام نظارتی مشخصی برای تضمین سازگاری این راهکار با قانون مذکور پیش‌بینی شده است. دیوار کج در نهایت به جاذبه زمین تسلیم می‌شود و فرو می‌ریزد. همین‌طور، نظام‌های نظارتی که به‌طور پیوسته در تقابل با نیروهای بازار قرار می‌گیرند، محکوم به شکست هستند. تجربه اخیر نشان داد که نظام نظارتی نرخ سود علی‌الحساب نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

عاملی که به عنوان کاتالیزور در شکست راهکار نرخ سود علی‌الحساب عمل کرد، درونزا نشدن هزینه‌های مرتبط با نقش «آخرین ملجاء قرض‌دهندگی» بانک مرکزی است. در چنین چارچوبی سطح ریسک موسسات مالی بالاتر از سطح بهینه و قابل قبول در اقتصاد قرار می‌گیرد، رقابت قیمتی را شروع کرده و به آن دامن می‌زند.

در ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا اجازه تعهد یا بیمه اصل وجوه سپرده‌گذاران داده می‌شود: «بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا بیمه نمایند.» در ماده ۵ قانون مذکور عنوان می‌شود که منافع حاصل از عملیات بانکی بدون ربا (تحت مکانیسمی مشخص) بین سپرده‌گذار و بانک تقسیم می‌شود. تعهد یا بیمه کردن اصل یک سپرده به آن معنی است که نرخ سود «قطعا» بالاتر از صفر درصد است. آیا این بدان معناست که با استفاده از اصول حاکم بر ماده ۴ و فرایند بیمه و تجمیع ریسک، سیستم بانکی می‌تواند «یک نرخ» را قطعاً پرداخت کند؟! آیا می‌توان

انحراف‌هایی از قانون عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی ایران وجود دارد. نکته مهم آن است که این انحراف‌ها به سمت یک سیستم بانکداری متعارف نبوده است، زیرا اصولاً نرخ بهره حقیقی در چنان سیستمی نیز نمی‌تواند برای دوره‌های طولانی فاصله زیادی از نرخ رشد حقیقی اقتصاد بگیرد. لازم به ذکر است که درک هم‌حرکتی بازدهی سپرده‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی چندان سخت نیست

اصولی که به انتخاب نرخ «صفر درصد» به عنوان نرخ تضمینی سیستم بانکی ختم شده است، به انتخاب عدد‌های دیگری توسط سیستم بانکی بیانجامد؟ اصولاً عدد «صفر» از کجا آمده است؟ و سوال‌هایی مشابه.

وجود یک نرخ تضمینی که با توجه به تحولات بخش حقیقی و بدون تکیه بر منابع و حمایت‌های بانک مرکزی محاسبه می‌شود، نمی‌تواند فاصله پایدار زیادی از نرخ رشد حقیقی اقتصاد بگیرد. به‌طور مشخص، چنین نرخی به عنوان معیاری برای ارزیابی سطح ریسک نرخ‌های سود علی‌الحساب بانک‌های مختلف قلمداد می‌شود و بر پایه آن می‌توان حق بیمه را تنظیم کرد.

در نهایت لازم به ذکر است که اصلاح ساختارها در ایران ارزان و سریع نیست. چند دهه تحولات اقتصادی جای شک زیادی در این موضوع باقی نگذاشته است. بنابراین، اگر نخواهیم به امید سازگار شدن ساختارها با انگیزه‌های کارگزاران بنشینیم، تا حد امکان باید تلاش کرد تا از ظرفیت ساختارهای موجود، مکانیسم‌هایی سازگارتر با انگیزه‌های فعالین بازار ایجاد شود. بحث مطرح شده بر این اساس بوده و صرفاً یک کنجکاوی قلمداد می‌شود.



این در حالی است که به منظور افزایش ورود ارز به کشور، اخیراً نحوه ورود ارز توسط صادرکنندگان نیز تاحدی تسهیل شده است تا این گروه به عنوان بخش مهمی از تأمین ارز کشور بتواند منابع خود را وارد کرده و پاسخگوی نیاز ارزی وارکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی ارز باشد. موضع اخیر بانک مرکزی از این حکایت دارد که قرار بر حراج ارز در بازار و پاسخگویی به نیازهای کاذب نیست، بلکه این کار فقط برای تأمین کالاهای اساسی و نیازهای وارداتی است.

ارزی خریداری شده در سامانه نیما توسط صرافی نیست. اما ارزی که صرافی‌ها به صورت اسکناس وارد می‌کنند، به دو حساب قابل واریز است: اول حساب ارزی صرافی مجاز نزد یکی از بانک‌های عامل داخلی و همچنین حساب‌های معرفی شده از سوی بانک مرکزی. همچنین صرافی مجاز می‌تواند پس از ورود ارز به صورت اسکناس، آن را به نرخ بازار با حاشیه سود متعارف به متقاضیان بفروشد.